

دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (۶۰-۳۵)

## ترجیحات قومی فرزندآوری در ایران

یعقوب فروتن\*، سمیه میرزایی\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۰)

### چکیده

هدف اساسی این مقاله پژوهشی، بررسی ترجیحات فرزندآوری در بین گروه‌های قومی منتخب در ایران است. گروه‌های قومی این تحقیق، مشتمل بر اقوام ترک، ترکمن، کرد، گیلک، لر، لک، و مازنی است. یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در بین گروه‌های قومی از نقطه نظر ترجیحات فرزندآوری آنها است: از یک سو، مهم‌ترین وجوه مشترک آنها این است که نه تنها هیچ‌یک از گروه‌های قومی مورد مطالعه تقریباً هیچ‌گونه ترجیح و تمایلی به الگوی بی‌فرزندی ندارند، بلکه بیشترین ترجیح آنها معطوف به الگوی دو فرزند است. از سوی دیگر، بیشترین تفاوت‌ها در بین گروه‌های قومی در زمینه ترجیحات فرزندآوری را باید در الگوی سه فرزند و بیشتر جستجو کرد. در مجموع، تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق، مبین این نتیجه‌گیری نهایی است که هیچ‌یک از متغیرهای تحقیق، حتی سطح تحصیلات دانشگاهی نیز نتوانسته است یک نوع هم‌گرایی قومی در الگوی فرزندآوری زیاد یعنی ترجیح به داشتن سه فرزند و بیشتر را فراهم کند که به‌خوبی نشان‌دهنده این نکته مهم است که تعلقات قومی کماکان نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در ترجیح فرزندآوری زیاد ایفا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** ترجیحات فرزندآوری، گروه‌های قومی، ایران.

---

\* دانشیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، ایران، و محقق افتخاری دانشگاه غرب سیدنی، استرالیا (نویسنده مسئول).

E.mail: y.foroutan@umz.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران.

E.mail: s.mirzaee@stu.umz.ac.ir

### مقدمه

در این تحقیق، مناسبات بین تعلقات قومی و ترجیحات فرزندآوری<sup>۱</sup> را کانون توجه قرار داده‌ایم. درخصوص اهمیت و ضرورت این قبیل تحقیقات، به‌ویژه در دوران معاصر، می‌توان گفت که اساساً ترجیحات فرزندآوری زنان در هر گروه قومی به‌طور چشم‌گیری تابعی از رویکرد آنان نسبت به نقش‌های جنسیتی است. به‌عنوان مثال، "کیورفول"<sup>۲</sup> یک فرقه قومی از مسیحیان مذهب پروتستان محسوب می‌شود و از دیدگاه پیروان آن، زنان موظف به اطاعت کامل از شوهران خویش هستند و حق استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری را ندارند؛ زیرا وظیفه اصلی زنان را صرفاً به دنیا آوردن فرزندان زیاد و نقش مادری و حضور کامل در داخل خانه می‌دانند. مثال دیگر، مربوط به یک گروه قومی از یهودیان موسوم به "هریدی"<sup>۳</sup> است که سطح فرزندآوری آنان، بسیار بالا است؛ زیرا دارای نگرش بسیار قوی و سنتی در زمینه نقش‌های جنسیتی و تفکر خاص درباره تفکیک جنسیتی<sup>۴</sup> به‌ویژه در عرصه‌های عمومی هستند. به‌طوری‌که معتقدند حتی تصاویر زنان و دختران نیز نباید در جراید و نشریات عمومی چاپ و منتشر شود (گلدستون و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳). همچنین، در برخی جوامع اسلامی نیز گروه‌هایی وجود دارند که شدت محدودیت‌های آنان بر نقش‌های جنسیتی چنان زیاد است که در مواردی به‌ویژه در خاورمیانه، چالش‌های جدی برای حضور زنان در عرصه‌های عمومی به‌وجود می‌آید؛ به‌طوری‌که زنان حتی فاقد حقوقی همچون حق رانندگی و یا حق رأی هستند.

علاوه بر این، اهمیت و ضرورت این قبیل مطالعات در جوامعی همچون جامعه ما، به‌مراتب بیشتر است؛ زیرا تنوع قومی در سرتاسر ایران، بسیار برجسته است و چندقومیتی بودن، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های فرهنگی اجتماعی کشور ما محسوب می‌شود که فرصت مناسبی را نیز برای این قبیل مطالعات و تحقیقات علمی فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، مجموعه این مباحث، بر ضرورت و اهمیت تحقیقات و مطالعات علمی تأکید می‌کند تا بتوان در یک فضای علمی و بر پایه یافته‌های پژوهشی و شواهد تجربی، ابعاد و زوایای متعدد ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی را بررسی و شناسایی کرد. بر همین اساس، مهم‌ترین پرسش‌های کلیدی تحقیق

1. Ethnic Belonging and Childbearing Desires
2. Quiverfull
3. Heredi Jewish
4. Gender Segregation

حاضر عبارتند از:

- آیا ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی با همدیگر متفاوت یا مشابه است؟
- آیا ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی، تابعی از متغیرهای جمعیت‌شناختی اقوام است؟
- نوع نگرش اقوام به اشتغال زنان و همچنین میزان دینداری آنها، چه تأثیراتی بر ترجیحات فرزندآوری آنها دارد؟

بدین ترتیب، در تحقیق حاضر، هدف اصلی این است که به این پرسش‌های کلیدی تحقیق، پاسخ داده شود و در حد امکان، شواهد پژوهشی و تجربی مناسب برای شناخت برخی از مهمترین الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی ارائه گردد.

### چارچوب نظری

به‌طور کلی، نظریه‌هایی که در زمینه تبیین ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی ارائه شده‌اند را می‌توان در سه گروه عمده زیر، طبقه‌بندی و خلاصه کرد. گروه اول، شامل نظریه‌هایی می‌شود که آموزه‌ها و باورهای فرهنگی دینی گروه‌های قومی را کانون اصلی توجه قرار می‌دهند. به‌عنوان مثال، لوکاس و میر (۱۳۸۱) معتقدند که ایدئولوژی و باورهای فرهنگی مذهبی برخی گروه‌های قومی به گونه‌ای است که فرزندآوری زیاد را تجویز و تقویت می‌کند. به‌عنوان نمونه، مطابق باورهای دینی برخی گروه‌های قومی، ازدواج در سنین پایین تشویق می‌شود، استفاده از وسایل کنترل موالید و سقط جنین را ناشایست و حرام تلقی می‌کنند، یا اساساً داشتن فرزندان زیاد را یک ارزش می‌دانند. بدین ترتیب، این قبیل اعتقادات و آموزه‌های مذهبی این گروه‌های قومی سبب می‌شود که تمایلات فرزندآوری آنان نیز زیاد باشد. تئوری‌های گروه دوم نیز اصولاً وضعیت و موقعیت گروه‌های قومی-مذهبی را به‌عنوان یک گروه اقلیت مدنظر قرار می‌دهند. به‌عنوان مثال، دیدگاه مک کویلان<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) مبتنی بر این اصل است که تفاوت‌های مرتبط با الگوهای فرزندآوری برخی گروه‌های قومی-مذهبی را باید در چارچوب موقعیت آنان به‌عنوان یک گروه اقلیت تبیین کرد. به‌عقیده این دسته از نظریه‌پردازان، موقعیت گروه‌های قومی-مذهبی به‌عنوان یک گروه اقلیت، به دو شکل می‌تواند رفتار فرزندآوری آنان را تحت‌تأثیر قرار دهد. شکل اول، ناظر بر عدم امنیت و در حاشیه بودن گروه‌های قومی-مذهبی به‌عنوان یک گروه

---

1. McQuillan

اقلیت می‌باشد. در شکل دوم نیز حفظ ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های قومی-مذهبی، مورد توجه است. بدین معنا که این گروه‌های مذهبی سعی می‌کنند تا کماکان موقعیت خود را از طریق تداوم ارزش‌ها و هنجارهایی از قبیل بُعد گسترده خانواده، حفظ نمایند.

در نظریه‌های گروه سوم، اعتقاد بر این است که ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی-اجتماعی گروه‌های قومی-مذهبی، نقش اصلی را در زمینه تفاوت‌های مرتبط با تمایلات فرزندآوری ایفا می‌نمایند. در واقع، مطابق رویکرد این دسته از نظریه‌پردازان، متغیرهایی همچون قومیت و مذهب فی‌الذات نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کنند؛ بلکه آنچه بیش از همه باعث پیدایش الگوهای متفاوت فرزندآوری گروه‌های قومی-مذهبی می‌شود، ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی و اجتماعی آنها است. در همین چارچوب، نظریه کافمن و اسکایریک<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در تبیین الگوهای فرزندآوری گروه‌های قومی-مذهبی در جوامع اسلامی بر این ایده اصلی مبتنی است که مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی-اجتماعی (مانند بی‌سوادی، روستانشینی، موانع دسترسی به وسایل کنترل موالید، مزایای فرزندان زیاد در اقتصاد کشاورزی سنتی) نقش به‌مراتب مهم‌تری در سطح بالای فرزندآوری گروه‌های قومی-مذهبی ایفا می‌کنند و متغیرهایی همچون قومیت و مذهب به‌عنوان یک عنصر ثانوی در تبیین الگوهای فرزندآوری محسوب می‌شوند (به نقل از: فروتن و رضایی پاشا، ۱۳۹۷). با توجه به اینکه تحقیق حاضر، معطوف به بررسی مناسبات بین ترجیحات فرزندآوری و تعلقات قومی می‌باشد، با استفاده از ترکیبی از این سه دسته نظریه‌های اصلی تلاش می‌کند تا مهم‌ترین الگوها و تمایزات مرتبط با ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

### پیشینه تحقیق

به‌طور کلی، بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که طیف بسیار متنوعی از تحقیقات، در زمینه ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی-مذهبی در جهان انجام گرفته است که به مهم‌ترین نتایج برخی از این تحقیقات اشاره می‌کنیم. به‌عنوان مثال، مطالعه هانتینگتون<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) ناظر بر نقش تعیین‌کننده عناصر جمعیت‌شناختی و الگوهای فرزندآوری گروه‌های قومی-مذهبی است.

- 
1. Kaffman and Skirbeck
  2. Ethnicity and Population

هانتینگتون استدلال می‌کند که آن دسته از گروه‌های قومی-مذهبی که به لحاظ جمعیت‌شناختی و فرزندآوری رو به گسترش هستند، بر گروه‌هایی که رشد آنها کندتر است فشار می‌آورند که به برخورد بین گروه‌های قومی-مذهبی منجر می‌گردد. نتایج "بررسی جهانی ارزش‌ها" طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۹ نشان داد که در تعدادی از کشورهای اسلامی مانند الجزایر، بنگلادش، اندونزی، اردن، پاکستان، نیجریه و مصر، آن دسته از زنان گروه‌های قومی-مذهبی که موافق قانون شریعت بودند، از سطح فرزندآوری بالاتری برخوردار بودند (فروتن و کرمی، ۱۳۹۵). نتایج تحقیق وستوف و فرجکا (۲۰۰۷) در خصوص الگوهای فرزندآوری گروه‌های قومی و مذهبی در تعدادی از کشورهای اروپایی، شامل اتریش، اسلواکی، اوکراین، بلغارستان و کرواسی طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ نشان داده است که گرچه سطح فرزندآوری تمامی آنها طی این سال‌ها یک روند نزولی را طی کرده است، با این‌همه، مسلمانان در مقایسه با سایر گروه‌های قومی و مذهبی مانند کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، همواره بالاترین و بیشترین سطح باروری را داشته‌اند. یافته‌های پژوهش یک پروژه بین‌المللی از سوی مؤسسه تحقیقاتی پیو (۲۰۱۳) درخصوص نگرش مسلمانان کشورهای اسلامی درباره الگوهای فرزندآوری و کنترل مولید، نشان داد که از یک‌سو، نسبت قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان در برخی از کشورهای اسلامی، با برنامه‌های کنترل جمعیت مخالف هستند؛ به‌عنوان مثال، نزدیک به نیمی از مسلمانان در کشورهای پاکستان و تونس و حدود یک‌سوم مسلمانان در بنگلادش و ترکیه با برنامه‌های کنترل مولید مخالف هستند. از سوی دیگر، این نسبت در برخی دیگر از کشورهای اسلامی بسیار اندک است. به‌عنوان مثال، فقط حدود یک‌دهم مسلمانان در کشورهای اردن و تاجیکستان و مالزی دارای نگرش منفی نسبت به برنامه‌های کنترل مولید هستند. نتایج تحقیقات فروتن در دو کشور عمده قاره اقیانوسیه یعنی نیوزیلند (۲۰۱۷) و استرالیا (۲۰۱۵، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰) نشان داده است که گرچه گروه‌های قومی-مذهبی مسلمانان در مقایسه با سایرین دارای سطوح پایین‌تر تحصیلات و اشتغال و درآمد هستند، اما این الگوی کلی، لزوماً بر تمامی گروه‌های قومی مذهبی مسلمانان صدق نمی‌کند؛ زیرا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی آنان تابعی از خاستگاه قومی‌شان می‌باشد.

از سوی دیگر، بررسی ادبیات تحقیق در ایران نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه تنوع قومی در

1. Huntington
2. Westoff & Frejka

سرتاسر کشور ما بسیار زیاد و گسترده است، اما قدمت و وسعت تحقیقات علمی در زمینه نقش و جایگاه این تنوع قومی مذهبی بر روی رفتارهای باروری و الگوهای فرزندآوری، چندان برجسته و چشم‌گیر نیست. به‌عنوان مثال، نتایج تحقیق گودرزی و طالب (۱۳۸۳) در بین گروه‌های قومی استان سیستان و بلوچستان، نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل‌ملاحظه بین نحوه نگرش گروه‌های قومی در مورد هنجارهای خانواده و الگوهای فرزندآوری است. به‌طوری‌که گروه قومی بلوچ، بیشتر به الگوهای سنتی ارزش‌ها ارزش‌های خانوادگی و سطح بالاتر فرزندآوری گرایش دارند، درحالی‌که نگرش گروه‌های قومی غیر بلوچ به خانواده، حول محور ارزش‌ها ارزش‌های فردگرایانه و استقلال خانواده با عملکرد جمعیتی پایین بود. مطابق نتایج تحقیق عباسی‌شوازی و صادقی (۱۳۸۵)، بعد از کنترل مشخصه‌های اجتماعی-جمعیتی، به‌ویژه تحصیلات، تفاوت‌های قومی باروری، به‌طور چشمگیری، کاهش یافته و تا حدی در رفتار باروری آنها، همانندی و هم‌گرایی ایجاد می‌شود. با این حال، این همانندی و هم‌گرایی کامل نیست و علی‌رغم کنترل آماری مشخصه‌ها، هنوز برخی از تفاوت‌های قومی باروری، بدون تبیین باقی می‌ماند.

نتایج تحقیقات فروتن (۱۳۸۸، ۲۰۱۴، ۲۰۱۹) در زمینه مناسبات بین تحولات فرزندآوری و تغییرات اجتماعی طی نیم قرن اخیر در ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نشان داد که دامنه و عمق تغییرات اجتماعی فرهنگی طی چند دهه اخیر به حدی است که جامعه ما را به یک آزمایشگاه اجتماعی مناسبی برای تجزیه و تحلیل الگوهای شکل‌بندی خانواده و فرزندآوری تبدیل کرده است به‌طوری‌که روندهای کلی آن کمابیش بر تمامی گروه‌های قومی مذهبی صدق می‌کند. نتایج پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۵) در زمینه بررسی تطبیقی تمایلات فرزندآوری زنان کُرد شیعه و سنی در مناطق روستایی شهرستان کامیاران نشان داد که اگرچه تمایلات فرزندآوری زنان اهل سنت کمی بیش‌تر از زنان شیعه است، اما ترکیبی از مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی نقش تعیین‌کننده و معناداری در پیش‌بینی احتمال تمایل به فرزندآوری در میان زنان هر دو گروه قومی مذهبی دارند. بدین ترتیب، در جمع‌بندی پیشینه تحقیق می‌توان گفت که اگرچه طیف گسترده و متنوعی از تحقیقات در خصوص الگوهای فرزندآوری گروه‌های قومی در سایر کشورهای جهان انجام شده است، اما در کشور ما علیرغم تنوع بسیار گسترده گروه‌های قومی نه تنها حجم این قبیل مطالعات اندک و محدود می‌باشد، بلکه همان حجم قلیل

#### ۴۱) ترجیحات قومی فرزندآوری در ایران

تحقیقات انجام شده نیز غالباً معطوف به تعداد محدود و اندکی از گروه‌های قومی است. به همین سبب، لازم است تا هم تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت گیرد و هم اینکه بررسی‌های تطبیقی آنها معطوف به دایره وسیع‌تر و تعداد بیشتری از گروه‌های قومی باشد. در همین راستا، تحقیق حاضر تلاش می‌کند تا در حد توان خود شواهد پژوهشی برای تکمیل خلا تحقیقاتی در این حوزه مطالعاتی فراهم نماید.

#### فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های تحقیق حاضر، به شرح زیر است:

- ترجیحات فرزندآوری، تابعی از تعلقات قومی است؛ بدین معنا که گروه‌های قومی گوناگون، دارای ترجیحات فرزندآوری متفاوت هستند.
- ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی تابعی از متغیر جنسیت است؛ به‌طوری‌که در هر یک از گروه‌های قومی، مردان، بیش از زنان، الگوی فرزندآوری زیاد را ترجیح می‌دهند.
- محل سکونت گروه‌های قومی نیز نقش مهمی در ترجیحات فرزندآوری آنها ایفا می‌کند؛ بدین معنا که اقوام روستانشین، بیش از هم قومی‌های شهرنشین خویش، الگوی فرزندآوری زیاد را ترجیح می‌دهند.
- ترجیحات فرزندآوری، تابعی از سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن و تحصیلات و وضعیت تأهل است؛ بدین معنا که در بین گروه‌های قومی، نه تنها هم‌زمان با افزایش سطح تحصیلات، ترجیحات به سوی فرزندآوری کمتر سوق پیدا می‌کند، بلکه ترجیحات فرزندآوری در بین متأهلین، بیش از مجردین و در بین بزرگسالان و سالمندان بیش از نوجوانان و جوانان است.
- ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی، تابعی از نگرش آنها نسبت به اشتغال زنان است؛ بدین معنا که کسانی که مخالف اشتغال زنان هستند، الگوی فرزندآوری زیاد را ترجیح می‌دهند.
- سطح دین‌داری گروه‌های قومی نیز نقش مهمی در ترجیحات فرزندآوری آنها ایفا می‌کند؛ بدین معنا که ترجیح الگوی زیاد در بین افراد با سطوح بالای دین‌داری به مراتب قوی‌تر و بیشتر از افراد با سطوح پایین‌تر دین‌داری است.

## روش تحقیق و داده‌ها

مباحث تجربی این مقاله مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های یک بررسی پیمایشی است. با توجه به گستردگی جغرافیایی کشور ما و متناسب با بودجه و امکانات محدود پژوهشگران، مناطق کمابیش متعدد و گوناگون انتخاب شده‌اند که تا حدود قابل ملاحظه‌ای در بردارنده گستردگی جغرافیایی و تنوع‌های فرهنگی-اجتماعی، به‌ویژه از نقطه نظر ترکیب‌های قومی و مذهبی بخش‌هایی از کشور ما می‌باشند که می‌توان بر اساس آنها برخی از مهم‌ترین الگوهای مرتبط با موضوع تحقیق را فراتر از یک شهرستان و در سطحی نسبتاً گسترده‌تر بررسی کرد. تجزیه و تحلیل‌های این مقاله مبتنی بر داده‌های یک پژوهش پیمایشی است که حجم نمونه آن را مجموعاً تعداد ۳۷۲۲ نفر مردان و زنان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم‌آباد، رشت، سقز، کامیاران، گرگان، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان تشکیل می‌دهند. حجم نمونه تحقیق با استفاده از روش کوکران تعیین شده و برای گزینش نمونه‌های تحقیق نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. اعتبار پرسشنامه، اعتبار صوری است و برای دستیابی به پایایی مورد قبول، با انجام پیش‌آزمون و میانگین آلفای کرونباخ حدود ۰/۷۹، همسازی گویه‌های پرسشنامه تأمین گردید. ابزار گردآوری داده‌های تحقیق نیز پرسشنامه ساخت‌یافته بود. پس از گردآوری داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه، از برنامه نرم افزار اسپس‌اس<sup>۱</sup> برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق استفاده شده است که نتایج این تجزیه و تحلیل‌ها در بخش بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

علاوه بر این، ترجیحات فرزندآوری به‌عنوان مهم‌ترین متغیر وابسته در این تحقیق محسوب می‌گردد که در چهار سطح شامل بدون فرزند، ۱ فرزند، ۲ فرزند، ۳ فرزند و بیشتر مورد سنجش قرار گرفته است. گفتنی است که در داده‌های اولیه تحقیق، دو گزینه (بدون فرزند، ۵ فرزند و بیشتر) نیز وجود داشت که به سبب تعداد بسیار ناچیز نمونه‌های متمایل به "بی‌فرزندی"، این گزینه در تجزیه و تحلیل‌های تحقیق، منظور و محاسبه نشده است.

---

۱. SPSS



جدول شماره ۱: متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق

عنوان متغیر	گزینه‌ها	عنوان متغیر	گزینه‌ها
ترجیحات فرزندآوری	بدون فرزند	سطح تحصیلات	بی سواد
	۱ فرزند		ابتدایی
	۲ فرزند		راهنمایی
	۳ فرزند و بیشتر		دیپلم فوق دیپلم لیسانس و بالاتر
جنس	مرد	محل سکونت	شهر
	زن		روستا
میزان دین‌داری	خیلی زیاد	نگرش به اشتغال زنان موافق	کاملاً موافق
	زیاد		مخالف
	کم		کاملاً مخالف
	خیلی کم		
گروه‌های قومی	ترک، ترکمن، کرد، گیلک، لر، لک، مازنی		

#### ویژگی‌های جمعیت نمونه تحقیق

همچنان‌که پیشتر نیز ذکر شد، جمعیت نمونه تحقیق را تعداد ۳۷۲۲ نفر مردان و زنان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم‌آباد، سقز، کامیاران، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان تشکیل می‌دهند که ۵۱/۱ درصد آنها را جمعیت مردان و ۴۸/۹ درصد را نیز جمعیت زنان شامل می‌شوند. از نقطه نظر محل سکونت نیز ۶۳/۸ درصد جمعیت نمونه تحقیق ساکن نقاط شهری و مابقی آنها نیز ساکن نقاط روستایی هستند. میانه سنی جمعیت نمونه تحقیق نیز ۳۱/۹ سال است که با میانه سنی جمعیت کل کشور (حدود ۳۰ سال) تقریباً برابر و یکسان است. از نقطه نظر وضعیت تأهل نیز نزدیک به دو سوم جمعیت نمونه تحقیق را افراد متأهل و قریب به یک سوم را نیز افراد مجرد تشکیل می‌دهند و نسبت افراد بی‌همسر در اثر طلاق و در اثر فوت همسر نیز بسیار ناچیز (به ترتیب، ۱/۶ درصد و ۲/۳ درصد) است. توزیع جمعیت نمونه تحقیق بر حسب سطح تحصیلات نشان می‌دهد که کمتر از ۱۰ درصد بی‌سواد، ۲۰ درصد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۴۰ درصد تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم هستند و حدود ۳۰ درصد نیز دارای تحصیلات لیسانس و بالاترند.

## یافته‌ها

### ۱) الگوهای کلی ترجیحات قومی فرزندآوری

مطابق نتایج مندرج در جدول ۲، چهار الگوی کلی زیر را می‌توان در زمینه ترجیحات فرزندآوری در بین گروه‌های قومی استنباط کرد. نکته اول اینکه، برجسته‌ترین الگوی فرزندآوری در بین تمامی گروه‌های قومی، الگوی "خانواده دو فرزند" است به‌طوری‌که در حدود نیمی از آنها، این الگوی فرزندآوری را ترجیح می‌دهند. این الگو در بین دو گروه قومی لر و لک به‌طور برجسته‌تری مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که دو سوم آنها الگوی دو فرزند را ترجیح می‌دهند. در حالی‌که، کمترین تمایل به این الگوی فرزندآوری متعلق به دو گروه ترکمن و کرد است: کمتر از نیمی از آنان (نزدیک به ۴۵ درصد)، الگوی دو فرزند را ترجیح می‌دهند. نکته دوم اینکه، الگوی "خانواده بی‌فرزند" در هیچ‌کدام از گروه‌های قومی پذیرفتنی نیست بطوری‌که تنها کمتر از ۲ درصد آنان به این الگوی فرزندآوری متمایل هستند. به همین سبب، در تجزیه و تحلیل‌های بعدی این تحقیق از آن صرف‌نظر شده است. نکته سوم اینکه، ترجیح الگوی "تک‌فرزند" نیز از اقبال و پذیرش بالنسبه اندکی برخوردار است. بیشترین سطح تفاوت را می‌توان در مقایسه بین دو گروه گیلک و ترکمن مشاهده کرد: گیلک‌ها بیش از دو برابر ترکمن‌ها، الگوی تک‌فرزند را ترجیح می‌دهند (به ترتیب، ۱۴ درصد و ۶ درصد). در سایر گروه‌های قومی نیز تقریباً یک‌دهم آنها به الگوی خانواده تک‌فرزند متمایل دارند. نکته چهارم اینکه، میزان تمایل به الگوی فرزندآوری سه فرزند و بیشتر، در بین برخی گروه‌های قومی، به‌طور برجسته‌تری مشاهده می‌شود به‌طوربه‌عنوان مثال، نیمی از ترکمن‌ها و دو پنجم کردها، خواهان الگوی "سه فرزند و بیشتر" هستند. از سوی دیگر، برخی گروه‌های قومی، تمایل کمتری به این الگو دارند که برجسته‌ترین آنها گیلک‌ها هستند. بدین معنا که تنها یک چهارم آنان، الگوی فرزندآوری سه فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند. این تمایل اندک را می‌توان در بین دو گروه لک و لر نیز مشاهده کرد؛ زیرا کمتر از یک سوم آنها خواهان سه فرزند و بیشتر هستند. در بین دو گروه قومی ترکها و مازنی‌ها نیز این تمایل بالنسبه اندک است: در حدود یک سوم آنها، الگوی فرزندآوری سه فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند.

جدول ۲: ترجیحات فرزندآوری به تفکیک گروه‌های قومی (درصد)

فرزندی	جمع درصد	۳ فرزند و بیشتر	۲ فرزند	۱ فرزند	بی فرزند	گروه‌های قومی
۳۴۵	۱۰۰/۰	۳۲/۵	۵۳/۶	۱۲/۵	۴/۰	ترک
۵۴۳	۱۰۰/۰	۴۸/۶	۴۳/۴	۵/۷	۱/۳	ترکمن
۸۰۴	۱۰۰/۰	۴۱/۳	۴۴/۷	۱۲/۱	۱/۹	کرد
۴۵۹	۱۰۰/۰	۲۴/۴	۵۸/۴	۱۳/۷	۱/۵	گیلک
۳۶۴	۱۰۰/۰	۲۹/۰	۶۳/۱	۹/۱	۸/۰	لر
۲۴۱	۱۰۰/۰	۲۷/۸	۶۲/۷	۹/۵	۰/۰	لک
۹۶۶	۱۰۰/۰	۳۲/۴	۵۴/۷	۱۱/۳	۱/۶۵	مازنی
۳۷۲۲	۳۷۲۲	۱۳۱۰	۱۹۶۴	۳۹۹	۴۹	جمع فراوانی

## ۲) ترجیحات قومی فرزندآوری برحسب جنسیت و محل سکونت

آیا تفاوت‌های معنی‌داری بین مردان و زنان گروه‌های قومی در زمینه ترجیحات فرزندآوری وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش کلیدی تحقیق و مطابق داده‌های این تحقیق، مهم‌ترین برجسته‌ترین نکته‌ای که درخصوص تأثیرات متغیر جنسیت بر روی ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی می‌توان اشاره کرد این است که در مجموع، یک نوع همسوئی و همگرایی جنسیتی<sup>۱</sup> در زمینه ترجیحات فرزندآوری در میان گروه‌های قومی مورد بررسی وجود دارد. بدین معنا که در هر یک از گروه‌های قومی، مردان و زنان به‌طور کمابیش یکسان و مشابه همدیگر به الگوهای فرزندآوری تمایل دارند. این الگو کمابیش در اغلب گروه‌های قومی وجود دارد. البته موارد استثنا نیز به چشم می‌خورد که برجسته‌ترین آنها مربوط به میزان تمایل مردان و زنان گروه قومی لک به الگوی تک‌فرزندی (به ترتیب، ۱۲ درصد و ۷ درصد) و همچنین میزان تمایل مردان و زنان گروه قومی مازنی به الگوی دو فرزند (به ترتیب، ۵۸ درصد و ۵۱ درصد) است.

ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی برحسب متغیر محل سکونت چگونه است؟ به عبارت دیگر، آیا تفاوت برجسته‌ای بین گروه‌های قومی ساکن در نقاط شهری و روستایی از نقطه نظر

### 1. Gender Convergence

ترجیحات فرزندآوری وجود دارد؟ تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اولاً، تفاوت چشمگیری بین روستائیان و شهرنشینان از نقطه نظر ترجیح آنها به الگوی دو فرزند مشاهده نمی‌شود. این نکته کمابیش برای تمامی گروه‌های قومی مورد مطالعه صدق می‌کند. ثانیاً، روستائیان، بیش از شهرنشینان خواهان الگوی فرزندآوری سه فرزند و بیشتر هستند. این الگو به‌وضوح منعکس‌کننده این واقعیت است که فرهنگ سنتی و اقتصاد کشاورزی حاکم در بین اقوام ایرانی ساکن در نقاط روستایی کماکان خواهان خانواده‌های پرآلود و نیروی کار بیشتر است.

جدول ۳: ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی به تفکیک جنس و محل سکونت

گروه‌های قومی	ترک	ترکمن	کرد	گیلک	لر	لک	مازنی
<b>جمعیت مردان</b>							
۱ فرزند	۱۳,۷	۶,۵	۱۲,۶	۱۵,۸	۹,۶	۱۱,۸	۱۰,۷
۲ فرزند	۵۳,۶	۴۵,۷	۴۳,۶	۵۹,۶	۶۵,۶	۵۹,۷	۵۸,۶
۳ فرزند و بیشتر	۳۲,۷	۴۷,۸	۴۳,۸	۲۴,۶	۲۴,۸	۲۸,۵	۳۰,۷
<b>جمعیت زنان</b>							
۱ فرزند	۱۲,۷	۶,۴	۱۲,۴	۱۴,۹	۹,۶	۷,۴	۱۳,۶
۲ فرزند	۵۵,۱	۴۲,۳	۴۷,۷	۵۷,۶	۶۰,۹	۶۵,۵	۵۱,۷
۳ فرزند و بیشتر	۳۲,۲	۵۱,۳	۳۹,۹	۲۷,۵	۲۹,۵	۲۷,۱	۳۴,۸
<b>نقاط شهری</b>							
۱ فرزند	۱۲,۶	۵,۸	۱۴,۸	۱۴,۷	۹,۷	۱۰,۷	۱۳,۹
۲ فرزند	۵۵,۹	۴۶,۴	۴۶,۳	۵۷,۴	۶۰,۹	۵۷,۰	۶۵,۷
۳ فرزند و بیشتر	۳۱,۵	۴۷,۸	۳۸,۹	۲۷,۹	۲۹,۴	۳۲,۳	۲۰,۴
<b>نقاط روستایی</b>							
۱ فرزند	۱۴,۴	۸,۴	۸,۷	۱۵,۵	۸,۳	۸,۳	۹,۶
۲ فرزند	۴۹,۸	۳۹,۷	۴۱,۵	۶۰,۹	۶۶,۸	۶۸,۴	۴۵,۸
۳ فرزند و بیشتر	۳۵,۸	۵۱,۹	۴۹,۸	۲۳,۶	۲۴,۹	۲۳,۳	۴۴,۶
جمع فراوانی	۳۴۵	۵۴۳	۸۰۴	۴۵۹	۳۶۴	۲۴۱	۹۶۶

اگرچه تفاوت شهر و روستا در اغلب گروه‌های قومی مورد مطالعه مشهود است، اما مشهودترین و برجسته‌ترین آن، متعلق به گروه قومی مازنی است: روستائیان مازنی بیش از

#### ترجیحات قومی فرزندآوری در ایران ۴۷

دو برابر شهرنشینان هم‌قومی خویش، الگوی فرزندآوری سه فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند (به ترتیب، ۴۴ و ۲۰ درصد). این وضعیت به‌خوبی همان تبیین فوق‌الذکر را تأیید می‌کند و با توجه به اینکه اقتصاد کشاورزی سنتی در مناطق روستایی مازندران، بیشتر رایج و غالب است، به همین سبب روستائیان آن نیز تمایل بیشتر و قوی‌تری به الگوی فرزندآوری سه فرزند و بیشتر دارند. با این‌همه، در برخی گروه‌های قومی، تفاوت چندان برجسته‌ای بین مناطق شهری و روستایی از نقطه نظر الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر ملاحظه نمی‌شود و یا حتی در برخی گروه‌های قومی (مانند گیلک‌ها، لرها و لک‌ها)، وضعیت معکوس حاکم است که این وضعیت را می‌توان تا حدودی این‌گونه تبیین کرد که در دوران معاصر، مبتنی بر تکنولوژی‌های ارتباطات و رسانه‌های فراگیر و همچنین تحت تأثیر فشارهای قوی ناشی از مشکلات اقتصادی و تنگناهای مالی، تفاوت‌های معمول و سنتی شهر و روستا به‌طور چشم‌گیری فروکش کرده و نوعی هم‌گرایی بین روستائیان و شهرنشینان از نقطه نظر نگرش‌های جمعیتی و ترجیحات فرزندآوری شکل گرفته و حتی در برخی موارد، روستاها گوی رقابت را از شهرها ربوده و پیشی گرفته‌اند.

#### ۳) ترجیحات قومی فرزندآوری به تفکیک وضعیت تأهل، سن و تحصیلات

نتایج تجزیه و تحلیل این تحقیق نشان می‌دهد که متأهلین، بیش از مجردین به الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر متمایل هستند. اگرچه این الگو در بین تمامی گروه‌های قومی مشهود است، اما شدت آن در بین آنها یکسان نیست: از یکسو، در بین برخی گروه‌های قومی، این تفاوت ناچیز است، که نمونه مثال‌زدنی آن، وضعیت گروه قومی گیلک است: متأهلین گیلک به میزان نسبتاً ناچیزی بیش از مجردین هم‌قومی خویش، الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند (به ترتیب، ۲۵ درصد و ۲۲ درصد). از سوی دیگر، این تفاوت ناشی از شدت تأثیر متغیر محل سکونت بر ترجیحات فرزندآوری در بین سه گروه قومی مشتمل بر اقوام لر و لک و مازنی به‌مراتب برجسته‌تر است: متأهلین این سه گروه قومی، بیش از دو برابر مجردین هم‌قومی خویش، خواهان الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر هستند.

جدول ۴: ترجیحات فرزندآوری زیاد (۳ فرزند و بیشتر) گروه‌های قومی به تفکیک گروه‌های سنی، وضعیت تأهل و تحصیلات

گروه‌های قومی	ترک	ترکمن	کرد	گیلک	لر	لک	مازنی
سن							
۱۹-۱۵	۲۴,۵	۳۹,۶	۲۶,۳	۲۲,۴	۱۲,۳	۱۵,۱	۱۸,۰
۲۴-۲۰	۲۹,۵	۴۳,۰	۳۲,۴	۲۰,۰	۱۴,۹	۱۷,۰	۲۲,۰
۲۹-۲۵	۳۲,۸	۴۸,۵	۳۷,۹	۲۷,۸	۱۷,۸	۱۴,۶	۲۶,۸
۳۴-۳۰	۳۶,۷	۵۰,۰	۴۴,۱	۱۹,۸	۱۹,۸	۲۰,۹	۲۸,۳
۳۹-۳۵	۳۲,۵	۵۴,۵	۳۲,۷	۲۳,۸	۲۸,۵	۳۲,۸	۳۱,۳
۴۴-۴۰	۲۷,۳	۵۴,۱	۴۴,۴	۲۶,۹	۵۳,۸	۵۱,۵	۳۵,۲
۴۹-۴۵	۳۶,۹	۳۳,۳	۴۲,۰	۲۸,۹	۴۵,۴	۶۴,۵	۴۲,۳
۵۰ ببالا	۳۸,۰	۸۴,۰	۶۰,۰	۲۸,۹	۷۶,۹	۸۶,۹	۵۸,۳
وضعیت تأهل							
مجرد	۲۸,۶	۴۰,۱	۳۴,۵	۲۲,۵	۱۳,۷	۱۲,۳	۱۸,۷
متاهل	۳۲,۷	۵۴,۸	۴۳,۰	۲۵,۷	۲۴,۸	۳۰,۰	۳۷,۵
سطح تحصیلات							
بیسواد	۴۴,۰	۹۰,۶	۸۰,۰	۲۵,۴	۷۰,۵	۹۱,۳	۷۸,۰
ابتدایی	۳۵,۳	۸۷,۵	۶۱,۷	۲۳,۶	۵۸,۸	۷۵,۸	۶۰,۰
راهنمایی	۴۸,۱	۵۳,۲	۴۶,۶	۱۶,۷	۴۱,۲	۳۰,۰	۴۸,۳
دبیرستان	۲۵,۰	۴۵,۱	۳۹,۶	۱۸,۹	۲۸,۰	۲۰,۴	۲۲,۳
فوق دیپلم	۴۸,۹	۴۵,۹	۳۹,۰	۱۸,۵	۱۸,۳	۱۲,۱	۲۵,۴
لیسانس و بالاتر	۲۵,۳	۳۶,۸	۲۵,۰	۱۸,۳	۱۵,۴	۱۰,۸	۲۳,۰
جمع فراوانی	۳۴۵	۵۴۳	۸۰۴	۴۵۹	۳۶۴	۲۴۱	۹۶۶

علاوه بر این، سن گروه‌های قومی، دارای تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر روی ترجیحات فرزندآوری آنهاست که منعکس‌کننده شکاف و تفاوت‌های نسلی می‌باشد. در مجموع، یک الگوی کمابیش مشترک در بین همه گروه‌های سنی ملاحظه می‌شود: به موازات بالارفتن سن افراد، ترجیح آنان برای الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر نیز افزایش می‌یابد. گرچه این شکاف نسلی ناظر بر ترجیحات فرزندآوری کمابیش در تمامی گروه‌های قومی مشهود است، اما در بین برخی گروه‌های قومی، مانند اقوام لر و لک و مازنی و سپس در بین کردها و ترکمن‌ها، این

ترجیحات قومی فرزندآوری در ایران ۴۹

شکاف نسلی برجسته‌تر است، درحالی‌که این شکاف نسلی در بین دو گروه قومی گیلک‌ها و ترک‌ها، چندان برجسته و چشم‌گیر به‌نظر نمی‌رسد؛ زیرا ترجیحات فرزندآوری آنان بیشتر به سوی همسوئی و همگرایی نسلی گرایش دارد.

علاوه بر این، داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد هر چه بر سطح تحصیلات اقوام افزوده می‌شود، ترجیح آنها به سوی فرزندآوری کمتر سوق پیدا می‌کند. گرچه این الگو برای تمامی گروه‌های قومی مورد مطالعه صدق می‌کند، اما ترجیحات فرزندآوری همه گروه‌های قومی، به‌طور یکسان تحت‌تأثیر سطح تحصیلات آنها نیست: از یک طرف، این تأثیرگذاری در برخی گروه‌های قومی بسیار برجسته است. میزان تمایل به الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر، در بین بی‌سوادان و کم‌سوادان در بین دو گروه قومی لر و لک بیش از چهار برابر و در بین بی‌سوادان و کم‌سوادان مازنی نیز بیش از سه برابر تحصیل‌کردگان دانشگاهی هم‌قومی آنهاست. پس از آن، شدت این تأثیرگذاری در بین ترکمن‌ها و کردها نیز قابل ملاحظه است: بی‌سوادان و کم‌سوادان این دو گروه قومی، بیش از دو برابر تحصیل‌کردگان دانشگاهی هم‌قومی خویش، الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند. از طرف دیگر، ترجیحات فرزندآوری برخی گروه‌های قومی چندان تحت‌تأثیر متغیر سطح تحصیلات نیست. این وضعیت مخصوصاً در بین گروه قومی گیلک و تاحدودی نیز در بین گروه قومی ترک مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، نوسانات و تغییرات در ترجیحات فرزندآوری گیلک‌ها، برپایه سطح تحصیلات آنها بسیار اندک است. بدین معناکه هرچند نزدیک به یک پنجم گیلک‌های دارای تحصیلات دانشگاهی الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند، اما این نسبت در بین بی‌سوادان و کم‌سوادان هم‌قومی آنها نیز در حدود یک چهارم است که تفاوت چندان زیادی را نشان نمی‌دهد.

۴) ترجیحات قومی فرزندآوری برحسب نگرش‌های جنسیتی و دینی

نتایج این تحقیق نشان‌دهنده این اصل کلی است که معمولاً کسانی الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند که اساساً مخالف با اشتغال زنان در کار خارج از خانه نیز می‌باشند. این الگوی کلی برای همه گروه‌های قومی صدق می‌کند. با این‌همه، وضوح آن در برخی گروه‌های قومی به‌مراتب بیشتر و برجسته‌تر است. مثلاً، در گروه‌های قومی ترکمن و لر و لک و مازنی: افراد دارای نگرش کاملاً مخالف، نسبت به اشتغال زنان، بیش از دو برابر افراد دارای نگرش کاملاً موافق نسبت به اشتغال زنان، الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند.

برعکس، در برخی گروه‌های قومی، شدت این رابطه، ملایم‌تر و خفیف‌تر است که به‌عنوان مثال، می‌توان به وضعیت دو گروه کردها و گیلک‌ها اشاره کرد. بدین معنا که در بین افراد این دو گروه قومی که دارای نگرش‌های جنسیتی متفاوت با همدیگر هستند، تفاوت نسبتاً کمتری از نقطه نظر ترجیحات فرزندآوری وجود دارد.

علاوه براین، رابطه دین‌داری با ترجیحات فرزندآوری در میان گروه‌های قومی نیز در این تحقیق مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. در مجموع، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در تمامی گروه‌های قومی، این الگوی کلی صدق می‌کند که معمولاً کسانی الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند که از سطح بالاتر دین‌داری نیز برخوردارند.

جدول ۵: ترجیحات فرزندآوری سه فرزند و بیشتر گروه‌های قومی به تفکیک نگرش‌های دینی و جنسیتی

گروه‌های قومی	ترک	ترکمن	کرد	گیلک	لر	لک	مازنی
<b>نگرش به اشتغال زنان</b>							
کاملاً موافق	۲۲,۶	۳۰,۰	۳۵,۴	۱۸,۴	۲۱,۹	۱۴,۷	۱۸,۴
موافق	۳۲,۷	۵۱,۶	۳۸,۵	۳۰,۲	۲۲,۹	۱۶,۷	۳۴,۸
مخالف	۴۶,۵	۶۸,۶	۴۵,۱	۲۷,۱	۳۳,۴	۵۵,۰	۴۸,۲
کاملاً مخالف	۳۴,۲	۷۰,۰	۴۸,۶	۲۴,۰	۵۰,۰	۴۵,۰	۴۲,۰
<b>میزان دینداری</b>							
خیلی زیاد	۶۵,۵	۶۳,۵	۴۶,۵	۲۸,۶	۷۰,۵	۲۰,۰	۶۱,۲
زیاد	۳۹,۰	۵۳,۵	۴۷,۲	۲۹,۹	۲۹,۷	۳۴,۰	۳۴,۰
کم	۲۴,۸	۴۶,۶	۳۷,۴	۱۹,۷	۱۹,۶	۲۲,۳	۲۰,۸
خیلی کم	۸,۱	۴۴,۰	۳۸,۴	۲۲,۸	۱۸,۶	۲۶,۷	۳۱,۷
<b>جمع فراوانی</b>	<b>۳۴۵</b>	<b>۵۴۳</b>	<b>۸۰۴</b>	<b>۴۵۹</b>	<b>۳۶۴</b>	<b>۲۴۱</b>	<b>۹۶۶</b>

برعکس، هرچه از شدت و قوت دین‌داری کاسته می‌شود، ترجیح الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر نیز ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌شود. اگرچه این الگوی کلی در همه گروه‌های قومی کمابیش به چشم می‌خورد، اما در برخی اقوام برجسته‌تر است، که یک نمونه مثال‌زدنی آن، وضعیت دو گروه قومی ترک و لر است: بالاترین میزان تمایل به الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر متعلق به آن دسته از افراد منتسب به گروه‌های قومی ترک و لر است که سطح دینداری خویش را در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند؛ به‌طوربه‌طوری‌که بیش از دوسوم آنها الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر را ترجیح می‌دهند، درحالی‌که این نسبت در بین هم قومی‌های آنان با سطوح دین‌داری کم و خیلی کم به پایین‌تر از یک پنجم تنزل می‌یابد.



### ۵) نتایج تحلیل‌های چندمتغیره

نتایج تحلیل‌های رگرسیون لوجستیک مرتبط با ترجیحات فرزندآوری سه فرزند و بیشتر در قالب سه مدل در جدول ۶ ارائه شده است. متغیرهای مستقل در مدل ۱ فقط قومیت، در مدل ۲ قومیت به همراه سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل و محل سکونت) و در مدل ۳، دین‌داری و نگرش به اشتغال زنان نیز اضافه شده است. از مجموع ۳۷۲۲ پاسخگو، با حذف داده‌های بدون پاسخ و نامرتب و انجام کیس وایز دایگنوز<sup>۱</sup> و حذف داده‌های پرت، در مدل ۱، ۲ و ۳ به ترتیب داده‌های تعداد ۳۷۰۱، ۳۶۷۷ و ۳۶۶۹ پاسخگو وارد تحلیل شدند. با توجه به نتایج آزمون اومنی‌بوس<sup>۲</sup> ( $Sig=0/001$ ) مربوط به ارزیابی کل مدل، برآزش مدل قابل قبول و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است. همچنین نتایج مربوط به دو آماره لگاریتم درست‌نمایی و ضریب تعیین پزودو (شامل ضریب تعیین کاکس و نل<sup>۳</sup>، و ضریب تعیین نیجل‌کرک<sup>۴</sup>) حاکی از آن است که مجموعه متغیرهای مستقل توانسته‌اند در مدل ۱ بین ۴ تا ۳ درصد، در مدل ۲ بین ۱۱/۶ تا ۱۵/۹ درصد و در مدل ۳ بین ۱۳/۳ تا ۱۸/۳ از تغییرات متغیر وابسته (بخت نگرش موافق با ترجیح سه فرزندی و بیشتر) را تبیین کنند. همچنین با توجه به نتایج جدول ۶ طبقه‌بندی، درصد صحت و سقم مدل در طبقه‌بندی افراد یا همان درصد پیش‌بینی‌های صحیح در مدل ۱، ۶۴/۹، در مدل ۲، ۶۹/۹ درصد و در مدل ۳، ۷۰/۰ درصد است. این بدان معناست که می‌توان گفت با اطمینان حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد با استفاده از مجموع متغیرهای مستقل در این تحقیق قادریم تغییرات متغیر وابسته نگرش به الگوی سه فرزند و بیشتر را تبیین کنیم. برای بررسی نقش هر متغیر مستقل در مدل و تأثیر آن بر متغیر وابسته به نتایج حاصل از آماره والد و سطح معنی‌داری آن و آماره  $Exp(B)$  که به نسبت بخت‌ها معروف است مراجعه می‌کنیم. در صورت معنادار بودن آماره والد اگر میزان نسبت بخت‌ها کمتر از یک باشد، متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثر منفی و اگر بیشتر از یک باشد اثر مثبت دارد. بر این اساس، یافته‌ها برای هر متغیر مستقل از قرار زیر است:

در میان گروه‌های قومی مختلف در مدل ۱ و ۲، ترک، ترکمن، کرد، و گیلک بودن دارای

- 
1. Casewise Diagnose
  2. Omnibus Test
  3. Cox & Snell R Square
  4. Nagelkerke R Square

تأثیر معنادار بر متغیر وابسته است. در حالی که گروه مرجع در مدل رگرسیون لوجستیک، ترک‌ها در نظر گرفته شده‌اند، بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ فرزند و بیشتر در ترکمن‌ها نسبت به ترک‌ها در مدل ۱ و ۲ به ترتیب حدود ۱/۹۷ و ۲/۵۹ برابر است. بخت نگرش موافق با الگوی سه فرزند و بیشتر در کردها نیز در دو مدل ۱ و ۲ به ترتیب ۱/۴۳ و ۱/۵۸ برابر ترک‌هاست. این بدان معنی است که با تغییر گروه قومی از ترک به بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر، به ترتیب ۴۳ و ۵۸ درصد افزایش می‌یابد (تأثیر مثبت). در گیلک‌ها این مقادیر به ترتیب ۰/۶۸۲ و ۰/۶۳۳ است. به عبارت دیگر، بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر با تغییر از گروه قومی ترک به گیلک‌ها ۳۱/۸ و ۳۶/۷ درصد کاهش می‌یابد (تأثیر منفی). از میان گروه‌های قومی، لر، لک و مازنی تفاوت معناداری با ترک‌ها در زمینه نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر ندارند. در مجموع، بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر در ترکمن‌ها و کردها بیشتر از ترک‌ها و در گیلک‌ها کمتر از ترک‌هاست. در مدل ۳ با ورود متغیرهای دین‌داری و نگرش به اشتغال زنان طبقه گیلک که در مدل ۱ و ۲ تأثیر معناداری بر متغیر وابسته داشت اثر معنادار خود را از دست داده و تأثیر طبقات گروه‌های ترکمن و کرد بر متغیر وابسته افزایش یافته است. بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر در ترکمن‌ها حدود ۲/۵۵ برابر ترک‌ها (۱۵۵ درصد افزایش متغیر وابسته) و در کردها حدود ۱/۵ برابر ترک‌ها (۵۰ درصد افزایش متغیر وابسته) است. در مجموع، می‌توان گفت متغیر قومیت، به‌تنهایی (مدل ۱) در گروه‌های قومی ترک، ترکمن، کرد و گیلک بر متغیر وابسته تأثیر دارد. با افزوده شدن متغیرهای جمعیت‌شناختی (مدل ۲) این تأثیر به ویژه در ترکمن‌ها و سپس کردها افزایش می‌یابد. با اضافه شدن متغیرهای دین‌داری و نگرش به اشتغال زنان در مدل ۳ تغییرات نسبت به مدل ۱ تا حدودی همانند مدل ۲ است. به عبارت دیگر، اگر چه تأثیرات در مدل ۳ نسبت به مدل ۱ افزایش یافته است، اما در مقایسه با مدل ۲ شاهد تغییر چندانی در تأثیر دو گروه قومی کرد (تنها کاهش جزئی) و به‌ویژه ترکمن نیستیم. با این تفاوت که دیگر گیلک بودن تأثیر معناداری بر بخت متغیر وابسته ندارد. متغیر جنسیت که در مدل ۲ تأثیر معناداری بر متغیر وابسته نداشت با ورود متغیرهای فرهنگی و اجتماعی تأثیر معنادار یافته است. نتایج جدول ۶ حاکی از آن است که بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر در زنان ۱/۱۷۵ برابر (حدود ۱/۲ برابر) مردان است. به عبارت دیگر، با تغییر از مرد به

۵۳ ترجیحات قومی فرزندآوری در ایران

زن در متغیر جنسیت بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر ۱۷/۵ درصد افزایش می‌یابد. لذا بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر در زنان بیشتر از مردان است. در مدل ۲ متغیر محل سکونت تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارد. با توجه به نسبت بخت‌های این متغیر که ۱/۲۲۵ است نشان می‌دهد با تغییر محل سکونت از شهر به روستا بخت نگرش موافق به فرزندآوری ۲۲/۵ درصد افزایش می‌یابد (اثر مثبت). با این حال، این متغیر در مدل ۳ با ورود متغیرهای دینداری و نگرش به اشتغال زنان، اثر معنادار خود را از دست می‌دهد. در مدل ۲، به جز گروه سنی ۲۹-۲۰ سال، سایر گروه‌های سنی تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارند. به‌طور تقریبی می‌توان گفت با افزایش سن پاسخگویان، بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر روندی افزایشی دارد. از میان متغیرهای مستقل، بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته متعلق به گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر و معادل افزایشی در حدود ۱۶۲ درصد است. در مدل ۳ با ورود متغیرهای دینداری و نگرش به اشتغال زنان، تنها گروه ۴۴-۴۰ سال و ۵۰ سال و بالاتر نسبت به گروه ۱۹-۱۵ سال تأثیر معناداری بر بخت متغیر وابسته دارند. متغیر تحصیلات که در مدل ۲ در تمامی طبقات تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارد، در مدل ۳ تأثیر معنادار خود بر متغیر وابسته را در طبقه ابتدایی (۳۷ درصد کاهش در مدل ۱) از دست داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر در طبقات راهنمایی، دبیرستان، فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر به ترتیب حدود ۰/۳۹، ۰/۲۷، ۰/۲۷، و ۰/۲۸ طبقه بی‌سواد است (نسبت بخت‌ها کوچک‌تر از ۱ بوده لذا تأثیر منفی و کاهش‌ی است). به عبارت دیگر با تغییر از طبقه بی‌سواد به هر یک از طبقات مذکور، بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر به ترتیب ۶۱، ۷۳، ۷۳، و ۷۲ درصد کاهش می‌یابد. این در حالی است که در مدل ۱ این مقادیر به ترتیب ۶۵، ۷۸، ۷۷، و ۷۸ درصد بوده است. بنابراین، می‌توان گفت با ورود متغیرهای دینداری و نگرش به اشتغال زنان به تحلیل، تأثیر معنادار سایر طبقات نسبت به مدل ۲ تا حدودی کاهش یافته است. مطابق با یافته‌ها، بیشترین میزان تأثیر متغیر تحصیلات بر متغیر وابسته مربوط به تحصیلات دبیرستان و بالاتر بوده است. متغیر وضعیت تأهل در مدل ۳ نیز همانند مدل ۲ تأثیر معناداری بر بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر نداشته و ورود متغیرهای دینداری و نگرش به اشتغال زنان به معادله، در این زمینه تغییری ایجاد نموده است.

جدول ۶: نتایج تحلیل‌های رگرسیون لجستیک مرتبط با ترجیح سه فرزند و بیشتر

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		متغیرهای مستقل
Exp(B)	Sig (wald)	Exp(B)	Sig (wald)	Exp(B)	Sig (wald)	
-	۰/۰۰۱	-	۰/۰۰۱	-	۰/۰۰۱	ترک (گروه مرجع)
۲/۵۵۴	۰/۰۰۱	۲/۵۸۹	۰/۰۰۱	۱/۹۷۰	۰/۰۰۱	ترکمن
۱/۴۹۴	۰/۰۰۶	۱/۵۷۸	۰/۰۰۲	۱/۴۳۳	۰/۰۰۸	کرد
۰/۸۰۳	۰/۲۰۳	۰/۶۳۳	۰/۰۰۸	۰/۶۸۲	۰/۰۱۶	گیلک
۰/۸۲۰	۰/۲۶۶	۰/۷۸۶	۰/۱۷۲	۰/۷۵۳	۰/۰۸۶	لر
۰/۷۳۴	۰/۱۲۹	۰/۷۵۲	۰/۱۵۱	۰/۷۸۷	۰/۱۹۴	لک
۰/۹۵۶	۰/۷۶۰	۰/۹۴۸	۰/۷۱۱	۰/۹۸۵	۰/۹۰۸	مازنی
-	-	-	-	-	-	مرد (گروه مرجع)
۱/۱۷۵	۰/۰۴۲	۱/۱۳۷	۰/۰۸۹	-	-	زن
-	-	-	-	-	-	شهر (گروه مرجع)
۱/۱۴۹	۰/۰۸۳	۱/۲۲۵	۰/۰۱۰	-	-	روستا
-	۰/۰۰۳	-	۰/۰۰۱	-	-	۱۵-۱۹ (گروه مرجع)
۰/۹۹۶	۰/۹۸۱	۱/۲۴۱	۰/۱۸۳	-	-	۲۰-۲۴
۱/۱۳۷	۰/۴۴۱	۱/۳۵۷	۰/۰۶۶	-	-	۲۵-۲۹
۱/۲۷۲	۰/۱۷۰	۱/۵۶۰	۰/۰۱۱	-	-	۳۰-۳۴
۱/۳۲۴	۰/۱۴۰	۱/۶۶۹	۰/۰۰۷	-	-	۳۵-۳۹
۱/۴۷۰	۰/۰۵۳	۱/۹۰۵	۰/۰۰۱	-	-	۴۰-۴۴
۱/۳۴۰	۰/۱۶۳	۱/۷۵۵	۰/۰۰۷	-	-	۴۵-۴۹
۲/۰۵۸	۰/۰۰۱	۲/۶۱۹	۰/۰۰۱	-	-	+۵۰
-	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۱	-	-	بیسواد (گروه مرجع)
۰/۶۷۴	۰/۰۸۲	۰/۶۳۲	۰/۰۳۹	-	-	ابتدایی
۰/۳۸۵	۰/۰۰۱	۰/۳۵۱	۰/۰۰۱	-	-	راهنمایی
۰/۲۶۹	۰/۰۰۱	۰/۲۲۴	۰/۰۰۱	-	-	دبیرستان
۰/۲۷۳	۰/۰۰۱	۰/۲۲۷	۰/۰۰۱	-	-	فوق دیپلم
۰/۲۸۱	۰/۰۰۱	۰/۲۱۸	۰/۰۰۱	-	-	لیسانس و بالاتر
-	۰/۵۴۵	-	۰/۲۷۵	-	-	مجرد (گروه مرجع)
۱/۰۹۶	۰/۴۲۸	۱/۱۴۶	۰/۲۳۲	-	-	متاهل
۰/۸۰۷	۰/۵۳۰	۰/۷۴۹	۰/۳۸۲	-	-	طلاق گرفته
۱/۳۸۷	۰/۲۹۳	۱/۴۶۹	۰/۲۱۴	-	-	فوت همسر
-	۰/۰۰۱	-	-	-	-	خیلی زیاد (گروه مرجع)

۵۵ ترجیحات قومی فرزندآوری در ایران

۰/۷۲۲	۰/۰۱۲					زیاد	دین‌داری
۰/۵۴۰	۰/۰۰۱					کم	
۰/۴۸۹	۰/۰۰۱					خیلی کم	
۰/۵۳۱	۰/۰۲۱					اصلاً	
-	۰/۰۰۱	-	-			کاملاً موافق (گروه)	
۱/۶۷۵	۰/۰۰۱					مرجع موافق	نگرش به اشتغال زنان
۲/۴۵۳	۰/۰۰۱					مخالف	
۲/۱۷۸	۰/۰۰۱					کاملاً مخالف	
۰/۸۴۴	۰/۰۵۷۹	۰/۸۲۸	۰/۴۸۸	۰/۴۸۹	۰/۰۰۱	مقدار ثابت	
۳۶۶۹		۳۶۷۷		۳۷۰۱		تعداد (N)	
Chi-square	Sig	Chi-square	Sig	Chi-square	Sig	Omnibus Tests of Model Coefficients	
۵۲۲/۳۳۳	۰/۰۰۱	۴۵۲/۵۰۷	۰/۰۰۱	۹۸/۸۷۷	۰/۰۰۱	-2 Log likelihood	
۴۲۷۶/۰۹۹		۴۳۰۷/۶۳۸		۴۶۹۶/۷۹۵		Nagelkerke R Square	
۰/۱۸۳		۰/۱۵۹		۰/۰۳۶		Cox & Snell R Square	
۰/۱۳۳		۰/۱۱۶		۰/۰۲۶		درصد کلی صحت طبقه‌بندی	
۷۰/۰		۶۹/۹		۶۴/۹			

متغیر دینداری در مدل ۳ در تمامی طبقات تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارد. یافته‌ها حکایت از آن دارند که بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر در پاسخگویانی که میزان دینداری خود را به ترتیب زیاد، کم، خیلی کم، اصلاً گزارش نموده‌اند به ترتیب ۰/۷۲۲، ۰/۵۴۰، ۰/۴۸۹، ۰/۵۳۱ برابر پاسخگویانی است که میزان دین‌داری خود را خیلی زیاد (گروه مرجع) گزارش نموده‌اند. به عبارت دیگر با تغییر از دین‌داری خیلی زیاد به دین‌داری زیاد، کم، خیلی کم، اصلاً، نه مذهبی و نه غیر مذهبی بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر به ترتیب حدود ۳۰، ۵۰، ۵۰، ۵۰ و ۴۰ درصد کاهش می‌یابد. دین‌داری در طبقات کم، خیلی کم و اصلاً در مقایسه با سایر طبقات بیشترین تأثیر کاهشی (۵۰ درصد) را بر بخت متغیر وابسته داشته است. متغیر نگرش به اشتغال زنان در همه طبقات تأثیر معناداری بر بخت متغیر وابسته دارد. بخت نگرش موافق با الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر در طبقات موافق، مخالف و کاملاً مخالف به ترتیب ۱/۶۷۵، ۲/۴۵۳ و ۲/۱۷۸ برابر طبقه کاملاً موافق است. به عبارت دیگر، با تغییر از نگرش کاملاً موافق به موافق، مخالف و کاملاً مخالف، بخت متغیر وابسته به ترتیب ۶۸، ۱۴۵ و ۱۱۸ درصد افزایش می‌یابد. می‌توان گفت افرادی که مخالف اشتغال زنان هستند، بخت نگرش موافق به الگوی فرزندآوری سه بچه و بیشتر نیز افزایش می‌یابد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع، یافته‌های این تحقیق در خصوص الگوهای کلی ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی در ایران، نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین آنها است. مهم‌ترین وجوه مشترک این است که نه تنها هیچ‌یک از گروه‌های قومی مورد مطالعه، تقریباً هیچ‌گونه ترجیح نسبت به الگوی بی‌فرزندى ندارند، بلکه بیشترین ترجیح معطوف به الگوی دو فرزندى است به طوری که نزدیک به نیمی یا بیش از نیمی از هریک از گروه‌های قومی، این الگوی فرزندآوری را ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر، دو تفاوت عمده بین گروه‌های قومی از نقطه نظر ترجیحات فرزندآوری مشاهده می‌شود؛ اولاً، گرچه میزان تمایل گروه‌های قومی به الگوی تک‌فرزندى بسیار اندک است به طوری که تنها حدود یک دهم آنها این الگوی فرزندآوری را ترجیح می‌دهند، اما تفاوت‌های برجسته‌ای بین گروه‌های قومی از نقطه نظر تمایل به این الگوی فرزندآوری مشاهده می‌شود که برجسته‌ترین این تفاوت نیز بین دو گروه قومی ترکمن و گیلک است: گیلک‌ها بیش از دو برابر ترکمن‌ها، الگوی تک‌فرزندى را ترجیح می‌دهند. ثانیاً، به نظر می‌رسد که بیشترین تفاوت‌ها بین گروه‌های قومی در زمینه ترجیحات فرزندآوری را باید در الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر جستجو کرد: از یک طرف، حدود نیمی از ترکمن‌ها و کردها و یک سوم ترک‌ها و مازنی‌ها به این الگوی فرزندآوری متمایل هستند. از طرف دیگر، کمتر از یک چهارم گیلک‌ها و کمتر از یک سوم لرها و لک‌ها، الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر را ترجیح می‌دهند.

علاوه بر این، تجزیه و تحلیل‌های تفصیلی این تحقیق نشان داده است که الگوهای کلی فوق‌الذکر، در بین گروه‌های قومی، تابعی از سه دسته تعیین‌کننده‌های اصلی اعم از متغیرهای جمعیت‌شناختی، دین‌داری و نگرش به اشتغال زنان است. در خصوص متغیرهای جمعیت‌شناختی می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد. اول آنکه، در خصوص تأثیرات متغیر جنس بر روی ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی می‌توان یک نوع همسویی و همگرایی جنسیتی را استنباط کرد بدین معنا که تفاوت بین مردان و زنان در زمینه ترجیحات فرزندآوری بسیار ناچیز است و در هریک از گروه‌های قومی، مردان و زنان به‌طور کمابیش یکسان و مشابه همدیگر به الگوهای فرزندآوری متمایل دارند. دوم آنکه، ترجیحات فرزندآوری اغلب گروه‌های قومی تابعی از محل سکونت آنهاست: روستائیان بیش از شهرنشینان خواهان الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر

ترجیحات قومی فرزندآوری در ایران ۵۷

هستند. این الگو که به وضوح منعکس کننده غلبه فرهنگ سنتی و اقتصاد کشاورزی حاکم در بین اقوام ایرانی ساکن در نقاط روستایی است که کماکان آنان را به سوی خانواده‌های پرآلود و نیروی کار بیشتر سوق می‌دهد، مشهودترین و برجسته‌ترین شکل آن متعلق به گروه قومی مازنی است: روستائیان مازنی بیش از دو برابر شهرنشینان هم قومی خویش، الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر را ترجیح می‌دهند. باتوجه به اینکه اقتصاد کشاورزی سنتی در مناطق روستایی مازندران بیشتر رایج و غالب است، به همین سبب روستائیان آن نیز تمایل بیشتر و قوی‌تری به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر دارند. با این‌همه، الگوی فوق در برخی گروه‌های قومی مانند گیلک‌ها، لرها و لک‌ها صدق نمی‌کند که می‌توان این وضعیت را تا حدودی این‌گونه تبیین کرد که در دوران معاصر، مبتنی بر تکنولوژی‌های ارتباطات و رسانه‌های فراگیر و همچنین تحت تأثیر فشارهای قوی ناشی از مشکلات اقتصادی و تنگناهای مالی، تفاوت‌های معمول و سنتی شهر و روستا به‌طور چشم‌گیری فروکش کرده و نوعی هم‌گرایی بین روستائیان و شهرنشینان از نقطه نظر نگرش‌های جمعیتی و ترجیحات فرزندآوری شکل گرفته است.

سوم آنکه، سن و تحصیلات نیز دارای تأثیرات معنی‌داری بر ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی می‌باشند: به موازات افزایش سطح تحصیلات و در سنین پایین‌تر، تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد. در نتیجه، بیشترین میزان تمایل به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر متعلق به کم‌سوادان و بی‌سوادان و بزرگ‌سالان بالای ۵۰ ساله است، درحالی‌که تحصیل‌کردگان دانشگاهی و جوانان ۱۵-۲۴ ساله دارای کمترین میزان تمایل به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر هستند. اگرچه این الگو (که منعکس‌کننده تفاوت و شکاف نسلی در زمینه الگوهای فرزندآوری اقوام نیز است) بر همه گروه‌های قومی صدق می‌کند، اما شدت تأثیرپذیری ترجیحات فرزندآوری آنها از این دو متغیر جمعیت‌شناختی یکسان نیست: از یک طرف، شدت تأثیرگذاری این دو متغیر سن و تحصیلات بر روی ترجیحات فرزندآوری برخی گروه‌های قومی به‌ویژه لرها و لک‌ها و تا حدودی نیز ترکمن‌ها و کردها بسیار زیاد و چشم‌گیر است. از طرف دیگر، ترجیحات فرزندآوری برخی گروه‌های قومی مانند گیلک‌ها و ترک‌ها کمتر تحت تأثیر متغیرهای سن و تحصیلات است.

دسته دوم تعیین‌کننده‌های ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی، متغیر نحوه نگرش به اشتغال زنان است: هرچه گروه‌های قومی دارای نگرش‌های جنسیتی سنتی‌تر و محافظه‌کارانه‌تر

و مخالف با اشتغال زنان باشند، تمایل بیشتر و قوی‌تری به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر دارند و برعکس، هرچه صبغه نگرش سنتی و محافظه‌کارانه نسبت به نقش‌های جنسیتی ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌گردد و دارای نگرش مثبت‌تری به اشتغال زنان می‌شوند، تمایل به سه فرزند و بیشتر نیز کاهش می‌یابد. دسته سوم تعیین‌کننده‌های ترجیحات فرزندآوری گروه‌های قومی، متغیرهای مرتبط با دین‌داری است: در مجموع، یافته‌های تحقیق حاضر نشان داده است که در تمامی گروه‌های قومی، بیشترین و بالاترین ترجیح و تمایل به الگوی فرزندآوری ۳ بچه و بیشتر متعلق به افرادی است که دارای دین‌داری در حد زیاد و خیلی زیاد هستند. اما هرچه شدت و قوت دین‌داری آنها کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر می‌گردد، تمایل گروه‌های قومی به فرزندآوری نیز به تدریج رو به کاهش می‌گذارد. این الگوها بدون استثنا بر همه گروه‌های قومی صدق می‌کنند. نکته به‌مراتب مهم‌تر این است که هیچ‌یک از مجموع متغیرهای مستقل در این تحقیق حتی متغیر سطح تحصیلات نتوانسته است یک نوع هم‌گرایی قومی در ترجیحات فرزندآوری زیاد را فراهم کند، بدین معنا که ترجیحات فرزندآوری در بین تحصیل‌کردگان دانشگاهی اقوام متعدد اگرچه به پایین‌ترین سطح تقلیل می‌یابد، اما کماکان با همدیگر متفاوت است که به روشنی منعکس‌کننده این نکته بسیار مهم است که تعلقات قومی کماکان نقش تعیین‌کننده‌ای در ترجیحات فرزندآوری زیاد ایفا می‌کنند. بدین ترتیب، یافته‌های تحقیق حاضر را می‌توان از منظر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و ارائه توصیه‌های کاربردی و سیاستی نیز مورد تأکید قرار داد چون از یک‌طرف سیاست‌گذاری‌های رسمی اخیر در جامعه ما معطوف به تشویق و افزایش فرزندآوری است. از طرف دیگر، نتایج این تحقیق نشان داده است که تعلقات قومی کماکان نقش تعیین‌کننده‌ای در ترجیحات فرزندآوری ایفا می‌کند به‌طوری‌که الگوهای بسیار متفاوت در زمینه ترجیح برای داشتن سه فرزند و بیشتر به تفکیک گروه‌های قومی وجود دارد. بنابراین، یافته‌های تحقیق حاضر بر این اصل بنیادین تأکید می‌کنند که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های معطوف به رفتار فرزندآوری نه‌تنها باید مبتنی بر آموزه‌های علمی و یافته‌های پژوهشی باشند، بلکه موفقیت‌پایدار این قبیل سیاست‌گذاری‌ها در عرصه فرزندآوری مستلزم در نظر گرفتن تعلقات قومی است که توجه به این نکته اساسی به‌ویژه در جامعه ما به سبب ویژگی چندقومیتی بودن و تنوع و گستردگی گروه‌های قومی در سرتاسر کشور از ضرورت و اهمیت به‌مراتب بیشتری برخوردار است.



### منابع

حسینی، حاتم، عباس عسکری ندوشن و ناهید مرادی (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی تمایلات فرزندآوری زنان کرد شیعه و سنی در مناطق روستایی شهرستان کامیاران. مطالعات زن و خانواده، دوره ۴، شماره ۱، صص ۶۳-۸۴.

خانی، سعید، حسین محمدزاده و محمدجلال عباسی شوازی (۱۳۹۷). مقایسه میان نسلی ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج. دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۹، شماره ۲، صص ۴۹-۷۶.

رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی و حسن سرایی (۱۳۹۳). تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۲۵۰-۲۲۹.

گودرزی، محسن و مهدی طالب (۱۳۸۳). قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروه‌های قومی در سیستان و بلوچستان. زن در توسعه و سیاست، دوره ۲، شماره ۱، صص ۴۸-۲۳.

گلدستون، جک و همکاران (۱۳۹۵). جمعیت‌شناسی سیاسی: نقش جمعیت در نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین‌المللی، ترجمه یعقوب فروتن، تهران: موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۵). قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران. مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۲۹، صص ۵۸-۲۹.

فروتن، یعقوب (۱۳۸۸). زمینه‌های فرهنگی تحولات جمعیت‌شناختی: با اشاراتی به انتقال باروری در ایران. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۴، صص ۱۱۰-۹۱.

فروتن، یعقوب و صدیقه رضایی پاشا (۱۳۹۷). تأثیرات هویت دینی بر تمایلات فرزندآوری در مناطق روستایی و شهری منتخب ایران. مطالعات ملی، شماره ۷۳، صص ۹۶-۷۵.

فروتن، یعقوب و فرشاد کرمی (۱۳۹۵). الگوها و تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲۱، صص ۱۰۱-۷۲.

لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Foroutan, Y. (2020). Migrants' Education and Its Economic Return: Ethno-Religious Differentials, *Social Identities: Journal for Study of Race, Nation and Culture* (in press).

Foroutan, Y. (2019). Cultural analysis of Half-Century Demographic Swings of Iran: The Place of Popular Culture, *Journal of Ethnic and Cultural Studies*, 6 (1): 77-89.

Foroutan, Y. (2019). Formation of Gender Identity in the Islamic Republic of Iran: Does

- Educational Institution Matter?, *Journal of Beliefs & Values: Studies in Religion & Education*, 39 (2): 1-18.
- Foroutan, Y. (2017). Muslim Minority of New Zealand in Global Context: Demographic Perspective, *Journal of Muslim Minority Affairs*, 37 (4): 511-519.
- Foroutan, Y. (2015). Misunderstood Population: Methodological Debate on Demography of Muslims in the West. Pp.163-176, In *Yearbook of International Religious Demography*, edited by Grim, B. et al. The Netherlands: Brill Press.
- Foroutan, Y. (2014). Social Changes and Demographic Responses in Iran (1956-2006). *British Journal of Middle Eastern Studies*, 41(2), 219-229.
- Huntington, S. (1996). *The Clash and Civilization and Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster.
- Kaufman, E. & Skirbekk, V. (2012). Go Forth and Multiply: The Politics of Religious Demography, pp. 121-149. In *Political Demography: How population changes are reshaping international security and national policies*. New York: Oxford University Press.
- McQuillan, K. (2004). When Does Religion Influence Fertility?. *Population and Development Review*, 30(1), 25-56.
- Pew Research Center (2013). The Muslim World: Religion, Politics and Society. Retrived 12 March 2016, from: <http://www.pewforum.org/2013/04/30/the-worlds-muslims-religion-politics-society-overview/>
- Westoff, C. F. & Frejka, T. (2007). Religiousness and Fertility among European Muslims. *Population and Development Review*, 33(4), 785-809.